



- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سعید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سعید مسجاد طلوع هاشمی
- نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۵۱-۰۵۱
- نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
- روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۷۸۹

SHAHRRANNEWS.IR

اشنبه

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

ميثاق نامه اخلاق حرفه ای



دمای هوای مشهد

۴۰٪

۱۴°

۳°

ظہر ۱۲

صبح ۳

عصر ۱۳

شب ۸

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۴۲:۴۲ نیمه شب شرعی ۲۲:۵۸:۳۴

غروب آفتاب ۱۶:۴۵:۲۹ اذان صبح فردا ۵:۱۱:۲۲

اذان مغرب ۱۷:۰۵:۱۱ طلوع آفتاب فردا ۶:۳۹:۲۹



امروز وارد دومین ماه از فصل زمستان می شویم و مشهد همچنان در آرزوی اولین برف زمستانی است.

مجید ادیبی

شوخى

بى شوخى

وضعيت گوشت قرمز، ديگر قرمز نيست!

ظاهر شده که به مردم توصیه کرد زیاد گوشت نخورند چون ممکن است نفرس بگیرند. همچنین یکی از شهروندان خواست تا از مسئولان تشکر کند ولی چون یک ماهیچه بزرگ را درسته توی حلقش کرده بود و هانش پر بود، تشکرش را به زمان دیگری موکول کرد. یک نانوا نیز گفت: ما از صبح توی نانوايي کلی نان پخته ایم ولی کسی نمی آید نان بخرد. برنج فروشی ها هم اعلام کردند که مردم نه تنها نان، بلکه برنج هم نمی خورند و فقط و فقط به خوردن گوشت خالی روی آورده اند. سازمان بهداشت جهانی نیز به مادران کودکان شیرخوار هشدار داد که کودک باید تا شش ماهگی فقط و فقط از شیر مادر تغذیه کند و اصلا درست نیست که به خاطر کاهش شدید قیمت گوشت، مادران به فرزندان خودشان به جای شیر یا شیر خشک، فرت و فرت گوشت قرمز بدهند. خیلی از شهروندان هم که قبلا چرخ گوشت، ساتور و گوشت کوب خود را فروخته بودند ابراز پشیمانی کردند و گفتند: کاش نفروخته بودیم، البته فکر نمی کردیم یک روز این قدر وحشتناک قیمت گوشت پایین بیاید. از اتاق فرمان اشاره می کنند که شوخی هم حدی داره، دیگه ادامه نده! پس فعلا خدا حافظ.



چه قایقرانی داشت ملوان انزلی

درباره سیروس قایقران که اگر زنده بود امروز ۶۲ ساله می شد

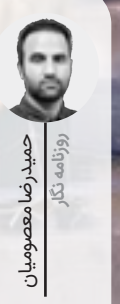


در ایران بلکه در آسیا و اروپا هم به عنوان یک بازیکن استثنایی مطرح شد و با وجود داشتن پیشنهاد از تیم های آلمانی به الاتحاد قطر پیوست. سال ۱۳۷۲ به عنوان بازیکن و سپس مربی به تیم کشاورز تهران آمد که در آن سال تیمی پرستاره بود. در شرایطی که همه منتظر بودند تا یک مربی تازه نفس و کاربلد به جرگه مربیان ایران اضافه شود یک حادثه زندگی سیروس قایقران را به شکلی دراماتیک تمام کرد. فروردین سال ۱۳۷۷ در بازگشت از انزلی به تهران حوالی امامزاده هاشم او که با ماشین رنو خودش به همراه یکی از فرزندان، همسر و برادر همسرش به تهران می رفت با یک کامیون برخورد کرد و در دم جان سپرد. واقعه ای اسفناک و باورنابذیر که او را خیلی زود از انزلی چی ها گرفت اما نامش را برای همیشه ماندگار و محبوبتش را ابدی کرد.

بست. شخصیت او و سبک فوتبال مقتدرانه اش باعث شد خیلی زود به عنوان یک رهبر در تیم ملی جا بیفتد و با وجود برگشت بازیکنان بزرگ قدیمی تیم ملی، او همچنان کاپیتان تیم ملی باقی ماند. نقطه اوج درخشش سیروس در بازی های آسیایی یکن بود. جایی که تیم ملی به اولسین عنوان قهرمانی خود در آسیا پس از انقلاب رسید. تک گل پیروزی بخش او به تیم ملی کره جنوبی تا سال ها تیتراژ اخبار ورزشی بود که آن سال ها ساعت ۴ بعد از ظهر پخش می شد. او در آن دوران نه تنها

متحصربه فردش ملوان را به رتبه قهرمانی با شگاه های گیلان برساند. او از معسود بازیکنان شهرستانی بود که بعد از انقلاب به چرخه تیم ملی اضافه شد و خیلی زود توانست پله های ترقی را طی کند. قایقران سال ۱۳۶۳ به تیم ملی دعوت شد و بعد از ماجرای استعفای پانزده بازیکن بزرگ تیم ملی در سال ۱۳۶۶ در تیم جوان شده شادروان دهداری باز و بند پر افتخار کاپیتانی تیم ملی ایران را به بازوانش

خودش گفته بود بهترین تیمی که برابیم زده اند این است، چه قایقرانی دارد ملوان انزلی، تیمی که یکی از مجلات ورزشی دهه ۷۰ ایران بعد از درخشش او در بازی با پرسپولیس زده بود. روزی که قایقران با دو شوت ویرانگر خود، پرسپولیس علی پروین را در مرداب انزلی غرق کرد و به فینال جام حذفی ایران رسید. سیروس انزلی چی ها در اول بهمن ۱۳۴۰ در محله کلور بندر انزلی متولد شد. از همان کودکی علاقه خود را به فوتبال نشان داد و عضو تیم فوتبال منتخب آموزشگاه های این شهر شد. سال ۱۳۵۶ وقتی شانزده ساله بود موفق شد به عنوان یکی از نفرات اصلی در تیم های نوجوانان و جوانان ملوان استعداد های خود را به نمایش بگذارد و با مهارت های



ماجرای تصادف قایقران از زبان همسرش

چقدر خنک شدم. قبل از اینکه من بی هوش بشوم یادم هست که یک خاور از رویه رو در حال حرکت بود. من خیلی خوابم می آمد. یک بار تصادف کرده بودیم، همیشه از جاده می ترسیدم و همیشه در طول راه بیدار بودم. تا چشم باز کردم آن صحنه را دیدم. از جایی که آب خوردیم تا محل تصادف خیلی فاصله نداشتیم. جیغ کشیدم، ولی مرا کشیدند و بردند. هی می گفتم که شوهر و بچه ام را نجات دهید. مرا به درمانگاه امامزاده هاشم بردند. چند ضربه به صورتم زدند که از درد به هوش آمدم و پرسیدم که چه اتفاقی افتاده و شوهر و بچه ام کجا هستند؟ نجاتشان دادید؟ گفتند، بله شما نگران نباشید. حالشان خوب است. خدا خیر بدهد دو تا آقا را که پیکان داشتند و می خواستند مرا به بیمارستان برسانند. گفتم: من نمی آیم. می خواهم پیش شوهر و پسرم بروم. یکی از آن دو مرد



حکایت پلنگ شاخ و شاخ پلنگ

نیز شخصی موفق و معتبر است. او پس از پایان تحصیلات خود وارد مشاغل مدیریتی شد و پله های ترقی را پیمود و هم اینک مدیر عامل یکی از شرکت های وابسته است. وی ادامه داد: اونیز چند وقت پیش به مناسبت تولد بهترین دوستش یک خودرو صفر کیلومتر به او هدیه داد. خانم های دیگر گفتند: وو. خانم دوم گفت: پسر من نیز واقعا موجب سرافرازی من است. او پس از آنکه دوره های کاپیتانی را طی کرد و در چندین سفر دریایی کشتی را به ساحل نجات رهنمون شد. اخیرا سهام دار یکی از شرکت های کشتی رانی شده و هم اکنون به رغم تحریم ها کار و بار خوبی دارد و حتی این طوری بهتر هم هست. وی افزود: اونیز چند وقت پیش به مناسبت تولد بهترین دوستش به او بلیت سفر دریایی به چهار کشور جهان به همراه اقامت دوهفته ای در هر کدام از کشورها را هدیه داد. خانم های دیگر گفتند: وو. خانم سوم گفت: پسر من

است. به گونه ای که همین چند وقت پیش به مناسبت تولد بهترین دوستش یک خودرو صفر کیلومتر به او هدیه داد. خانم های دیگر گفتند: وو. خانم دوم گفت: پسر من نیز واقعا موجب سرافرازی من است. او پس از آنکه دوره های کاپیتانی را طی کرد و در چندین سفر دریایی کشتی را به ساحل نجات رهنمون شد. اخیرا سهام دار یکی از شرکت های کشتی رانی شده و هم اکنون به رغم تحریم ها کار و بار خوبی دارد و حتی این طوری بهتر هم هست. وی افزود: اونیز چند وقت پیش به مناسبت تولد بهترین دوستش به او بلیت سفر دریایی به چهار کشور جهان به همراه اقامت دوهفته ای در هر کدام از کشورها را هدیه داد. خانم های دیگر گفتند: وو. خانم سوم گفت: پسر من



خرد بهتر از هر چه ایزدت داد

خرد ر هنمای و خرد دلگشای

از او شادمانی و ز اویت غمی است

خرد تیره و مرد روشن روان

چه گفت آن سخنگوی مرد از خرد

کسی کو خرد را ندارد به پیش

هشیوار دیوانه خواند و را

از اویی به هر دو سرای ارجمند

ستایش خرد را به از راه داد

خرد دست گیرد به هر دو سرای

وز اویت فرونی و ز اویت کمی است

نباشد همی شادمان یک ز مان

که دانا ز گفتار او بر خورد

دلش گردد از کرده خویش ریش

همان خویش بیگانه داند و را

گسسته خرد پای دارد به بند

خرد بهتر از هر چه ایزدت داد

خرد ر هنمای و خرد دلگشای

از او شادمانی و ز اویت غمی است

خرد تیره و مرد روشن روان

چه گفت آن سخنگوی مرد از خرد

کسی کو خرد را ندارد به پیش

هشیوار دیوانه خواند و را

از اویی به هر دو سرای ارجمند

چکامه

از دیباچه شاهنامه / گفتار اندر ستایش خرد / تصحیح جلال خالقی مطلق



عکس روز

روز هوای پاک، پاک فراموش شده است

۲۶ دی تا ۲ بهمن هفته هوای پاک نام گذاری شده است، اما باتوجه به وضعیت موجود انگار همه چیز دست به دست هم داده است تا هوای پاک را مناسبتی روی تقویم ببینیم نه در آسمان بالای سرمان و حتی در روز هوای پاک هم حسرت تماشای آبی آسمان روی دلمان بماند.

عکس: محسن بخشنده / شهرآرا